

## دو رساله تفسیری در باره یک آیه از نَوَاب لاهیجانی

دکتر سید کاظم طباطبایی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

در میان میراث گذشتگان در قلمرو نسخ خطی دو رساله تفسیری در دست است از محمد بن محمد باقر مشهور به «نَوَاب لاهیجانی» از دانیان سده سیزدهم هجری. این دو رساله که هر دو تفسیری است عارفانه از آیت بیست و سوم سوره بقره، به فارسی آمیخته با واژه‌ها و عبارتهای تازی نوشته شده است. از آن جا که زنده ساختن و نشر آثار پیشینیان از جهاتی چند حایز اهمیت است، نگارنده این سطور این رساله‌ها را از روی دستنوشته‌ای که به خط مصنف بر جای مانده است، تصحیح و تحقیق کرده برای نشر آماده ساخت.

کلید واژه‌ها: نَوَاب لاهیجانی، تفسیر عرفانی، تفسیر آیه بیست و سوم سوره بقره، اسرارالقلوب فی اوصاف المحبوب، انسان کامل.

### درآمد

از رهگذر بررسی میراث گذشتگان در قلمرو دستنوشته‌ها و نسخ خطی، می‌توان دریافت که رساله‌های تفسیری بسیاری به زبان فارسی از آنان بر جای مانده است. تصحیح، پژوهش، چاپ و نشر این رساله‌ها برای پژوهندگان فریضه‌ای دینی، فرهنگی و ملی به حساب می‌آید. زیرا این کار از چند جهت حایز اهمیت است: یکی از جهت آگاهی از دیدگاههای دانشمندان پیشین و دقیقه‌های علمی که در این رساله‌ها به ودیعت نهاده‌اند. دوم از جهت جریان‌شناسی فرهنگی و شناخت پسندهای فرهنگی و اجتماعی مردم ما در گذشته. سوم از نظر شناخت سبکها و

انواع ادبی و نقد و بررسی وضعیت نویسندگی در روزگاران گذشته. زیرا گفته‌اند: «هرگونه نقد تاریخی یا ذوقی و یا لغوی که در باب آثار شاعران و نویسندگان بشود تا بر متون صحیح معتبر متکی نباشد، سندیت ندارد»<sup>(۱)</sup>. از همین رو نویسنده این سطور در صدد است تا چنانچه توفیق رفیق گردد و فرصتی دست دهد، برخی از این نگاشته‌ها را احیاء کند و در دسترس اهل دانش بگذارد و برای حصول این مقصود «تفسیر آیه امانت» از فیض کاشانی را در شماره ۳۸-۳۷ همین مجله منتشر ساخت و اینک دو رساله تفسیری دیگر را به اهل دانش پیشکش می‌کند.

در میان نگاشته‌های تفسیری فارسی، دو رساله در دست است از محمد بن محمد باقر ملقب به «نواب لاهیجانی». این رساله‌ها هر دو تفسیری است عارفانه از آیت «و بشر الذین آمنوا...» (بقره، ۲۳) که نواب لاهیجانی هر دو را برای میرزا آقاسی صدراعظم محمد شاه قاجار<sup>(۲)</sup> نگاشته است و همچنان که رسم عالمان آن روزگار بوده است، در مطاوی این نوشته‌ها آن دو تن را می‌ستاید و در ستایش به نحو ناخوشایندی به گزافه‌گویی دچار می‌گردد. نویسنده - چنانکه از متن بر می‌آید - رساله نخستین را اسرار القلوب فی اوصاف المحبوب نامیده است. اما برای رساله دوم نامی اختیار نکرده است. دستنوشته این دو رساله که گویا هر دو به خامه نگارنده باشد، در کتابخانه ملی ایران محفوظ است.

رساله جامع علوم انسانی

### در باره نواب لاهیجانی

آگاهیهای ما درباره مؤلف این رساله‌ها بسیار اندک است. ولی اغلب شرح حال نگاران و فهرست نویسان از پدرش میرزا محمد باقر بن محمد مشهور به «نواب لاهیجانی» یاد کرده و اطلاعاتی به دست می‌دهند. ما در این جا درباره این پدر و پسر بطور جداگانه و به اختصار سخن خواهیم گفت:

الف) نواب لاهیجانی پدر: خاستگاه میرزا محمد باقر نواب لاهیجان و جای

۱- عبدالحسین زرین کوب، نقد ادبی، ج ۱، ص ۹۴.

۲- به سرگذشت این دو تن پس از این اشاره خواهد شد.

زندگانی اش اصفهان بوده است. وی - که گویا پرورده حوزه فلسفی اصفهان باشد - در حکمت، نجوم و تفسیر قرآن مهارتی بسزا داشته است. نواب در آغاز کار به روزگار جعفرخان زند (حکومت ۱۱۹۹-۱۲۰۳ ه.ق.) سمت وزارت داشته و پس از کشته شدن جعفرخان، در اصفهان به تدریس معقول سرگرم بوده و بسیار محترم می زیسته است. وی نزد فتحعلی شاه قاجار (حکومت ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق.) منزلتی والا داشته است. نواب تألیفاتی دارد، بدین شرح:

۱- تحفة الخاقان فی تفسیر القرآن: این کتاب تفسیری است موضوعی که مؤلف آن را به خواهش فتحعلی شاه قاجار فراهم آورده و مطالب کتاب را در پنج بخش به ترتیب زیر رده بندی کرده است: آیات قصص، آیات احکام، آیات معارف، آیات مواعظ و آیات مواعید. دستنوشته هایی از برخی مجلدات این کتاب در کتابخانه های مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری کنونی)، مجلس و ملک وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

۲- ترجمه و شرح فارسی نهج البلاغه: این کتاب نیز به اشاره فتحعلی شاه قاجار تألیف و در تهران چاپ سنگی شده است (تهران، ۱۳۱۷ ه.ق.، ۳۶۳ صفحه به قطع رحلی).  
نواب در سال ۱۲۴۰ ه.ق. در تهران درگذشته و او را در همان شهر به خاک سپرده اند.<sup>(۲)</sup>

از بررسی یادداشتها و فهرست آثار غیر مدون مرحوم استاد مرتضی مطهری

۱- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یو.ا. برگل، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۲- برای آگاهی فزونتر درباره او و آثارش نک: آغابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۴۳۱-۴۳۲؛

ج ۴، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ همو، طبقات اعلام الشيعة (الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة)، ج ۲، ص

۱۸۸-۱۸۹؛ علی دوانی، مفاخر اسلام (جلد هفتم، دانشمندان لاهیجان)، ص ۴۴۵؛ محمدعلی

مدرس تبریزی، ریحانة الادب، ج ۵، ص ۱۲۳؛ شیخ عباس قمی، فوائد الرضویة، ج ۲، ص ۶۲۱؛

ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۱، ص ۹۷-۹۸؛ ج ۲، ص ۱۷-۱۸؛

همو، فهرست کتابخانه مجلس، ج ۳، ص ۸.

می توان حدس زد که محمد باقر نواب در فلسفه و حکمت از مقام و موقعیتی شایسته برخوردار بوده است<sup>(۱)</sup>.

ب) نواب لاهیجانی پسر: درباره زندگانی، تحصیلات و اشتغالات محمد بن محمد باقر نواب به رغم تتبع بسیار مطلبی به دست نیامد. ولی فهرست نویسان کتابها و رساله‌هایی را معرفی کرده‌اند که به دست وی تألیف و به خط نسبتاً خوش او به نگارش درآمده است. از جمله:

۱- المنازلات الشارقات فی اسرار الصلاة، نویسنده می‌گوید: شبی با یکی از دوستان درباره عبارت «الصلاة عمود الدین» سخن می‌گفتم و او علت شرف و اهمیت نماز را از من پرسید و من این کتاب را در یک مقدمه و چند فصل و یک خاتمه در جواب آن دوست پرداختم و سپس به او تقدیم کردم. دستنوشته این کتاب که در سال ۱۲۵۷ هـ.ق. به خط نستعلیق و بر دست مؤلف به نگارش درآمده در کتابخانه ملی ایران محفوظ است<sup>(۲)</sup>.

۲- شرح الفصل فی حقیقة عالم الوصل، مصنف می‌نویسد: در سال ۱۲۵۷ هـ.ق. خدمت حاجی میرزا آقاسی رسیدم. او رساله کلمات مرموزه مسمی به درالمکنوزه را که مشتمل بر ده فصل بود با من به مطالعه آن پرداختم و فصل اول آن را که در توحید بود نیکو یافتیم و آن را شرح کردم. آن شرح این کتاب شد.

این کتاب که در سال ۱۲۵۸ هـ.ق. تألیف و به خط نستعلیق بر دست مؤلف به نگارش درآمده به میرزا آقاسی تقدیم شده است. کتاب موصوف بخش نخستین مجموعه‌ای است که زیر شماره «۶۸۲ ف» در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود<sup>(۳)</sup>.

۳- حکمة الیمانی فی شرح فصل الثانی، نویسنده گوید: پس از شرح فصل

۱- عبدالکریم سروش، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۴۸۵.

۲- سید عبدالله انوار، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۱.

۳- همو، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۴.

اول کتاب در المکنونزه تألیف میرزا آقاسی، به شرح فصل دوم آن که در توحید ذات و صفات احدیت است پرداختم و آن شرح این کتاب شد. مطالب این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و چند حکمت و یک خاتمه است و بیان کلام در آن مبنی بر مشرب صوفیان می باشد. نواب در سال ۱۲۶۲ هـ.ق. از نگارش این کتاب فراغت یافته است. این کتاب بخش دوم از همان مجموعه پیشگفته است.<sup>(۱)</sup>

### درباره رساله های حاضر

دو رساله ای که در این جا انتشار می یابد بخش سوم و چهارم از همان مجموعه سابق الذکر است.

رساله نخستین، که مؤلف آن را اسرار القلوب فی اوصاف المحبوب نامیده است، در سال ۱۲۶۳ هـ.ق. تألیف و به خط مصنف نگاشته شده است. جای این رساله در آن مجموعه از صفحه ۱۰۱ تا ۱۱۴ می باشد. رساله دوم که مؤلف برای آن نامی اختیار نکرده است و تاریخ تألیف آن نیز دقیقاً دانسته نیست، در همان مجموعه از صفحه ۱۱۵ تا ۱۲۷ قرار دارد.<sup>(۲)</sup> همچنان که پیش از این گفته شد، نویسنده در این دو رساله بر وفق مشرب صوفیان به تفسیر آیه «و بشر الذین آمنوا» (بقره، ۲۳) پرداخته است.

### سبک نگارش و شیوه تصحیح

در این جا لازم می داند درباره زبان و سبک نگارش نویسنده و شیوه تصحیح رساله های مورد نظر به اجمال نکاتی را یادآوری کند:

۱- مؤلف با آنکه رساله های موصوف را به زبان فارسی نگاشته، ولی - همچنان که سبک بیشتر عالمان آن روزگار است - آن را سخت با عبارات تازی در آمیخته و از همین رو خواندن و فهم متن را برای خواننده نا آشنا با کلمه ها و عبارتهای تازی دشوار ساخته است. به همین جهت مصحح

کوشید تا در حدّ ضرورت با نشانه گذاری کلمه‌ها و عبارتها خواننده را یاری کند.

۲- مؤلف نوشته خود را به آیه‌ها و حدیثهایی مستند ساخته و به اشعاری تمثیل جسته است. مصحح در حدّ میسر کوشید مأخذ آیه‌ها، حدیثها و ابیات شعری را نشان دهد. گفتنی است که در هنگام مراجعه به منابع دریافت که عبارتهای منقول با آنچه در منابع اصلی آمده کم و بیش اختلاف دارد. حتی در مورد آیات قرآن نیز چنین اختلافی به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد مؤلف آیه‌ها، حدیثها و اشعار را از حافظه نقل کرده و خطای حافظه موجب بروز چنین اختلافهایی شده است. از همین رو مصحح سعی کرده است در زیرنویس این موارد را به تصریح یا اشاره نشان دهد.

۳- بسیاری از کلمه‌هایی که امروزه از یکدیگر جدا نوشته می‌شود، در این رساله‌ها به هم چسبیده است. مانند: «کسانیکه / کسانی که»، «بستانهاییکه / بستانهایی که»، «ایشانست / ایشان است»، «بمیزان / به میزان». مصحح در نگارش این کلمه‌ها روش امروزی را مراعات کرده است.

۴- املاهای پاره‌ای از کلمه‌ها در گذشته غلط است. مانند: «المبدء / المبدأ»، «نشأ / نشئه»، «نستعل / نَسأل»، «الرزقيله / الرزقيله». این کلمه‌ها را مصحح قیاساً تصحیح کرد و موارد تصحیح را در زیرنویس تذکر داد.

۵- یای خطاب و یای وحدت و نکره در کلمه‌هایی که به‌های بیان حرکت «ه» ختم شده، به صورت همزه روی حرف «ها» نوشته شده است. مانند: «ذَرَهُ» به جای «ذَرَهُای»، «مرتبه» به جای «مرتبه‌ای»، «گشته» به جای «گشته‌ای»، «همکاسه» به جای «همکاسه‌ای». مصحح به شیوه معمول امروزی این «یا» را به صورت «ای» ثبت کرد.

۶- حرف «گاف» همه جا با «کاف» یکسان نوشته شده است. به دیگر سخن مصنف «کاف پارسی» را از «کاف تازی» متمایز نساخته است. مانند: «شاگردان / شاگردان»، «کفت / گفت»، «کوئی / گویی». در این گونه کلمه‌ها نیز رسم معمول خط کنونی مراعات شد.

## تقدیر و سپاس

در پایان گفتنی است که آقای حبیب الله عظیمی عضو هیأت علمی کتابخانه ملی ایران و دانشجوی دوره دکتری دانشکده برای به دست آوردن عکس از روی نسخه خطی کتابخانه ملی نگارنده را کمک کرد. دوست و همکار ارجمند آقای محسن حسین زاده باجگیران در گشودن پاره‌ای از گره‌ها همفکری نمود و آقای حسین صابری دانشجوی دوره دکتری دانشکده دریافتن مأخذ پاره‌ای از حدیثها به این جانب یاری رساند. از همکاری این دوستان گرامی سپاسگزاری می‌کند و برای آنان از خداوند منان کامیابی و عمر بلند خواهان است. امید دارد این تلاش ناقابل پژوهندگان و علاقه‌مندان را سودمند باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 وكم ندم من لطف حتى شوق حياه عن فهم الزكي  
 شجرك اللهم مطفئ الخبي عن الاذمان على ظهور  
 نورك اثارق من مرتبة الالوهية بالربوبية <sup>النفسية</sup>  
 بيان اسرار الفرقان في المعجى للارواح السبعة  
 باسرار المفسسان <sup>معناهم على علوم السلك</sup> وقائق القرآن <sup>التي بيده</sup>  
 بالعباية الرحمانية في اخر الزمان بمسيد قوايم

الاول

تتويج برهانات صفحه آغاز رساله اسرار القلوب في اوصاف المحبوب



حکم حکیم انیس علی صنوار عالم ارشد قریب  
 الی سخطات الی الیم لاشد شوفا سرا و اوزار  
 و سمیت لغیم قوت وصال مکرم و اصحاب لطیف  
 چاکر حضرت صادق مفسر ما بد که اللطایف  
 للاولیاء زمر منو لو ارا ارسر مشهور زمره کی خوبی  
 فی این مرکت رو بهر که مزو ادر جان بجا با بن زمره  
 در حیات سرمدی پائیده شد و با بحر می آن  
 عن الکلام فقد حاورنا المقام توسن عرفان  
 تداست و حرون تبین غنائش را نکش امی و فون  
 کتبه موله القصر محمد بن محمد باقر الملقب بنوات اللاهی  
 فی ریح الاول سنه ۱۲۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا مشهوراً في السموات والارضين ويا مشهوراً

في الدنيا والاخرة بجملة الحجارة والفلوك

في اقطار نورك و انحاء ذكرك فاني الله الا

بسم نوره ولو كره الكافرون يا طبيب القلوب

المریضه بدار الجماله ويا موقظ الرافدين من

نوم الهلكه ويا ذمی الخلوب من سریر القلوب

لهذا

حال پیمبر کز ما این کمال فاسم بودش خطاب از دو

امید از درگاه بی نیاز حقیقه آحقای حضرت

طول ظلال و جوده سلطان سلاطین شریعت و ملک

ممالک طریقت با دمی الخسلی الی الخسلی و حجه الخسلی

الخسلی حضرت حاجی و ام ظلاله العالی است بر

مفارق انام لا سیما این کم نام و اسلام

رہنمائی لایق این کامل است

کز خودی فانی بجایان اصل است

۱۱۱  
۱۱۱  
۱

## [ رساله نخست: اسرار القلوب فی اوصاف المحبوب ]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَمْ لَكَ مِنْ لَطْفٍ خَفِيٍّ      يَدُقُّ خَفَاهُ عَنْ فَهْمِ الزَّكِيِّ  
 نَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ بِلَطْفِكَ الْخَفِيِّ عَنْ الْأَذْهَانِ عَلَى ظَهْوَرِ نُورِكَ الشَّارِقِ مِنْ مَرْتَبَةِ  
 الْأُلُوْهِيَّةِ النَّفْسِيَّةِ لِبَيَانِ اسْرَارِ الْفِرْقَانِ وَالْمُسْتَجَلِيِّ لِلأرواحِ الْبَشَرِيَّةِ بِاسْرَارِ  
 الْمُشَقِّشَانِ<sup>(۱)</sup> لِتَعْلِيمِ دَقَائِقِ الْقُرْآنِ الَّذِي أَيْدَتْهُ بِالْعِنَايَةِ الرَّحْمَانِيَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ  
 لِتَشْيِيدِ قَوَائِمِ الْإِيمَانِ وَنُصْبَتِهِ بِالنَّبِيَّةِ لِلأئِمَّةِ الطَّاهِرَةِ بِتَقْدِيمِ الصَّدَقِ وَالْعُرْفَانَ وَالْإِيْقَانَ؛ وَتَشْكُرُكَ بِمَا فَضَّلْتَ بِنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَتُدْمِئُهُ الْجَوَامِعَ لِمَجَامِعِ الْكَمَالِ  
 السَّوَاطِعِ مِنْ مَشَارِقِ الْإِفْضَالِ بِالْأَجْلَالِ، سَيِّمًا صَاحِبِ دِيْوَانِ الْبَلَاغَةِ وَالْفَصَاحَةِ وَالْكَرَامَةِ وَدِيْوَانِ مَحَاسِنِ الشَّرَافَةِ وَالْفَخَامَةِ، مَجْتَمِعِ مَبَانِي الْعِلْمِ وَالْجَلَالَةِ، أُنَيْسِ  
 الْمَحْجَةِ الْبَارِقَةِ وَجَلِيْسِ الْبَيْضَاءِ الشَّاهِدَةِ مَحَبِّ الْوَلِيِّ الْوَفِيِّ مَوْلَانَا عَبَّاسِ الْمَلَقَّبِ  
 بِأَقَاسِي<sup>(۲)</sup>، أَنْ كَهْ رَوَانِ نَاصِرِ عَلَوِيٍّ - عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ - بِدِينِ زَبَانِشِ سِرَايِدِ:

شیراز، انتشارات علمی

- ۱- قَشَقَشَةُ یعنی؛ او را بیهودی بخشید. تَقَشَقَشَ الْمَرِيضُ مِنْ عِلَّتِهِ یعنی: بیمار از بیماری اش بیهودی یافت. سوره های توحید و کافرون را هم «مُقَشَقَشْتَان» خوانده اند. زیرا آن دو سوره انسانها را از شرک و نفاق پاک و پالوده می سازد (الطبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۵۴).
- ۲- عَبَّاسِ بْنِ مُسْلِمِ اَبِرَوَانِي در سال ۱۱۹۰ هـ.ق. برای تحصیل علوم دینی به عتبات رفت. در سال ۱۲۱۴ به ابروان برگشت و پس از چندی به تبریز مهاجرت کرد و مورد تفقد نایب السلطنه عباس میرزا قرار گرفت و به سمت «ملا باشی» اولادوی منصوب گردید. در زمان پادشاهی محمد شاه قاجار، پس از به شهادت رسیدن میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی در سال ۱۲۵۱ هـ.ق. صدراعظم ایران گردید. پس از فوت پادشاه یادشده به سبب مخالفان بسیاری که داشت ناگزیر به حضرت عبدالعظیم پناه برد و سپس به عتبات رفت و در سال ۱۲۶۵ هـ.ق. در کربلا درگذشت. نک: آغابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه (الکرام البررة)، ج ۲، ص ۶۹۱؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه «آقاسی».

آن میز حکیمی است که اندر دل او هست  
خیل و حشم و مملکت و گنج و رجالش  
آنجا که سخن خیزد از چند و چه و چون  
سفرات سلزد چاکر و ادریس عیالش<sup>(۱)</sup>  
بالصدق الصنی ذوالمجد و العز و الفخر الجلی. ابد اللهم علينا هذه الحقيقة  
المحقة و تلك الفرقة المحقة، آمین.

و المأمول من صاحب الجلیل، الذی بوصف مدایحه لسان ابن عبّاد کلیل،  
آن ینظر الی ماقلناه بنظر الاصلاح و العنایة و رفع الخطأ و الزلّالة. لآن مانادی به حامل  
عرش العلم بالكشف و اسرار البیان من شجرة طور سینائه من اسرار آیه سنعرضها من  
آی القرآن کان متجلّياً شاهقاً علیک بتأویل التبیان و اسرار الفرقان و هذا هو الذی  
ترشّح علینا من انوار التنزیل و التأویل بقدر الوسع و القابلیة من شاهق طور ایمن  
الذین و حجّة الله فی الارضین و امین ائمة الطاهرین.

من کیم اندر جهان بیج بیج چون الف کو خود ندارد هیچ هیچ  
هر هنرکه اُستا بدو معروف شد جان شاگردان بدو موصوف شد<sup>(۲)</sup>  
آدم علینا - یا رب - نور وجوده و کرائم شهوده، و نسأل<sup>(۳)</sup> الله بفنون  
الدعوات أن یوفقنا لاثمام هذا<sup>(۴)</sup> التفسیر المسّمی باسرار القلوب فی  
اوصاف المحبوب بدوام سلطنة اشعشعة صلیحة خزائن الغیوب و فاتق حقایق دقایق  
القلوب، رافع رایة المحمّدیة بمزعجات الخطوب، الدافع عن اولیاء الدولة العلویة

۱- ناصر خسرو، دیوان، ج ۱، قصیده ۹۵، ص ۲۰۷ (با اندکی اختلاف).

۲- مولوی، مثنوی معنوی، چاپ نیکلسون، ۲۸۲۹/۱؛ چاپ عبدالکریم سروش، ۲۸۳۴/۱. گفتنی است که در چاپهای یادشده به جای کلمه «بدو»، «بدان» آمده است. همچنین باید گفت بیت اول در این چاپها یافت نشد. کلمه های «که اُستا» در دستنوشته به صورت چسبیده «کاستا» نگاشته شده که با توجه به چاپهای مثنوی اصلاح شد.

۳- در دستنوشته مؤلف آمده است: «نسل»، که قیاساً اصلاح شد.

۴- در نسخه خطی «هذ» است که قیاساً اصلاح شد.

مدلجات الکروب، مالک رقاب رقاب الامم بخرق الحجاب، ملک ملوک العالم  
 يظهر العجاب، ظل الله المنبسط على الوری، نور الله المتصل من السماء السلطان  
 محمد شاه<sup>(۱)</sup> - خلد الله ملكه و سلطانه.

فنقول - و بالله التوفیق - قال - جل اسمه - فی کتابه المحکم:

«و بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
 كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنْتَوَاهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا  
 أزواجٌ مطهرةٌ وهم فيها خالدون»<sup>(۲)</sup>.

یعنی: امیدوارگردان کسانی [را]<sup>(۳)</sup> که ایمان آوردند و عمل صالح نمودند؛  
 یعنی: کشتند بزر طاعات و عبادات و معرفت را در دار دنیا و مرتفع ساختند حُجُب  
 ظلمانیة طبیعیة را، اینکه برای ایشان است در عاقبتی بستانهایی که جاری است از  
 زیر آنها نهرها. هرگاه رزق داده شوند از آن بستانها از ثمره اعمال حسنه رزقی، گویند:  
 این آن چیز است که روزی داده شدیم از پیش. این: هذا الَّذی رُزِقْنَا بما اکتسبنا من  
 اعمالنا الصالحات و معرفتنا لخالق الانبیات. و بعبارة اخرى یقولون: هذا الَّذی رُزِقْنَا  
 مِنْ ثَمَرَةِ شَجَرَةِ اِعْمَالِنَا الصَّالِحَةِ الَّتِي غَرَسْنَاهَا مِنْ قَبْلِ فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي بَسَاتِينِ قُلُوبِنَا  
 مِنَ الْمَعْرِفَةِ وَالْاِخْلَاقِ الْحَسَنَةِ. و آورده می شود به آن رزق شبیه به هم. لَانَّ الْمَبْدَأَ  
 وَالْمَعَادَ هُوَ الْوَاحِدُ الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ مَظْهَرٌ مِنْ مَظَاهِرِ اَلْمَاءِ. «فَكَمَا بَدَأَكُمْ  
 تَعُودُونَ»<sup>(۴)</sup>. و از برای ایشان استل هو بعلوم الجفلهای پاکیزه شده. و فی الزوجية  
 المذكورة فی الآیة الشریفه اشارات لطيفة الی علوم غریبه ارتماطیقیه و رموز حکمیة  
 عددیة. ان اجتمع الله شملنا و أمهلنا الزمان سنقرعها اسماع الاذهان باسط البيان.  
 کلها يدل على تشابه العالمین و تماثل النسأتین بأدق البرهان. و ایشان در آن جا

۱- محمد میرزا پسر عباس میرزا سومین پادشاه سلسله قاجار که در سال ۱۲۵۰ هـ ق. /

۱۸۳۴ م. بر تخت پادشاهی جلوس کرد و در سال ۱۲۶۴ هـ ق. / ۱۸۴۸ م. وفات یافت. از کارهای

ناپسند او یکی بزکناری و دستور کشتن قائم مقام فراهانی است.

۲- ۲ (بقره) / ۲۵. ۳- افزایش از مصحح است.

۴- ۷ (اعراف) / ۲۹.

جاودانانند. لآنهم بالمظهریة الّتی فیهم لَوَبَقُوا اَیَّامَ الدَّهْرِ مَا عَمِلُوا غَیْرَ ذَٰلِکَ. فَخُلِدُوا بِجَزَاءِ نِیَّاتِهِمْ وَ اَعْطُوا خَیْرَ الْجَزَاءِ. وَ مِنْ هَذَا یُعَلَّمُ سِرُّ «نِیَّةِ الْمُؤْمِنِ خَیْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» (۱) مخفی نماید که چون عوالم تنزلات مراتب وجود باشرها مرایای صفات حضرت غیب الغیوب و مظاهر کمالات اسماء انوار و جویند، پس هر ذره‌ای از ذرات ممکنات آنچه به حسب ماده و قابلیت از عالم مظهریة خاصه اسمائیه و فطرت اصلیه به حکم «فِطْرَةَ اللّٰهِ الّٰتِیْ فَطَّرَ النَّاسَ عَلَیْهَا» (۲) به میزان استعداد امکانی به منصفه «اَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدٰی» (۳) به طریق انشراق و انعکاس دفعه واحده اخذ نموده‌اند، در برزات خارجیة عوالم شهود به همان صورت استعداد ذاتی بدون کم و زیاد ظهور می‌فرمایند. «اِنَّ خَیْرًا فَخَیْرًا وَّ اِنَّ شَرًّا فَشَرًّا» (۴) تا منتهای خواص اسم رحمان و منتقم ظهور و بروز فرماید. لکن این ظهور و بروز بر مقتضای حجب ظلمانیة جسمانیة در مراتب ملکیه امکانیه اجمالی و تدریجی الحصول است. و چون عبد به واسطه غلبه احکام اسماء جلالیه که موجب احتجاب به حجب ظلمانیة طبیعیة است، انعکاس در لذات و شهوات نفسانیة نموده، از فطرت غافل است که «النَّاسُ نِیَّامٌ» (۵). پس چون به طریق کسب و اکتساب و پیروی هادی کامل از انبیاء و اولیاء (۶) به تصنیف و تجلیه و عبادات و اذکار هر قدر رفع حجب نموده شود، همان مقدار ظهور خواص اسماء جمالیة و مرتبه علم الیقین حصول

۱- مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، ص ۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۸۹ (حدیث ۲)

ص ۱۹۰، ص ۲۰۶ (حدیث ۱۸)، ص ۲۰۸ (حدیث ۲۶)، ص ۲۰۹-۲۱۰ (حدیث ۳۱) و

جاهای بسیار دیگر. ۲- ۳۰ (روم) / ۳۰.

۳- ۲۰ (طه) / ۵۰.

۴- این جمله که بر سبیل مثل در زبان عربی جاری است، گاه در احادیث نیز به کار رفته است.

برای نمونه نک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۶، حدیث ۱۳.

۵- این روایت در زهرالآداب (چاپ مصر، ج ۱، ص ۶۰) منسوب است به حضرت رسول

(ص) و در شرح تعریف (ج ۳، ص ۹۸) منسوب است به مولای متقیان علی - علیه السلام - نک:

فروزانفر، احادیث مشنوی، ص ۸۱.

پیوند و از اهل نعیم گردد. حدیث «کما تعیشون تموتون»<sup>(۱)</sup> و «الدنیا مزرعة الآخرة»<sup>(۲)</sup> و کریمه «مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى»<sup>(۳)</sup> بر این مطلب مطابق است. اما در نشئه اخرویه معادیه چون به حکم «کما بدأکم تعودون»<sup>(۴)</sup> و «کما تموتون تُبعثون»<sup>(۵)</sup> ظهور و عود فرمایند، بر حسب کریمه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا»<sup>(۶)</sup> و [حدیث] «وَالنَّاسُ نِيَامٌ إِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا»<sup>(۷)</sup> علمشان عیان و اجمالشان تفصیل و تدریجشان دفعة واحدة که «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ»<sup>(۸)</sup> تجسم یافته، حضور پیدا کند، از روی عین الیقین فرمایند: هذا الذي رزقنا من قبل في داراكتسابنا اشارة الى ان هذا ثمرة معرفتنا التي حصلناها في داراكتساب بالاعمال الصالحة التي هي نورالمشاهدة. و این اتیان و عیان به مقتضای حکم

۱- متن کامل حدیث چنین است: کما تعیشون تموتون و کما تموتون تُبعثون و کما تُبعثون تحشرون (معارف بهاء ولد، به نقل از فروزانفر، احادیث مشنوی، ص ۱۸). گفتنی است در منابع شیعی از زبان پیامبر (ص) روایت شده که فرمود: واللّٰه لتموتون کما تنامون، ولتُبعثون کما تسیقظون، ولتحاسبون کما تعملون نک: مجلسی، بحار، ج ۱۸، ص ۱۹۷.

۲- غزالی، احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۲؛ کنوز الحقایق، ص ۶۴. این جمله با آنکه به عنوان حدیث بر سر زبانها جاری است، ولی ظاهراً حدیث نبی علیهم السلام نک: فروزانفر، احادیث مشنوی، ص ۱۱۲؛ مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۳۵۳؛ ج ۷۰، ص ۱۴۸.

۳- ۱۷ (اسراء) / ۷۲. ۴- ۷ (اعراف) / ۲۹.

۵- صورت کامل این حدیث در سطور پیشین از نظر خوانندگان گرامی گذشت.

۶- ۳ (آل عمران) / ۳۰.

۷- فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۴۲. شایان ذکر است که این حدیث در آن جا به حضرت علی (ع) منسوب است. ولی چنانکه در پاورقی های پیشین گفته شد، برخی آن را به حضرت رسول (ص) نسبت می دهند. از جمله نک: ابن عربی، فصوص الحکم، فص سلیمانی، ص ۱۵۹.

۸- گویا این جمله از آیه پنجاهم سوره قمر مأخوذ است که می فرماید: «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ».



مضامات، که «النهاية هو الرجوع الى البداية» و «كما بدأكم تعودون»<sup>(۱)</sup>، مشابه و مماثل است که می فرماید: «وأتوا به مُمَشَابِهًا».

هر چه آن ابن جانیاوردی به دست  
هان و هان این دم که هست فرصتی  
کشتگاه آخرت دنیا است هان  
این است مقام و حال ابرار، و به مقتضای «انما الاعمال بالنیات»<sup>(۲)</sup> به خلود  
سرمدی و نعیم ابدی متنعمند که «هَمُّ فِيهَا خَالِدُونَ». و این طایفه اصحاب اشاره و  
خواصند. چنانچه حضرت صادق (ع) فرمودند: «الاشارة للخواص»<sup>(۳)</sup>. و آیه مبارکه  
اشاره است به وصف مرتبه‌ای از مراتب امیرالمؤمنین و امام الموحّدين که مشارکت  
می فرماید بر حسب جامعیه و لایت با زمرة مؤمنین به طریق ارشاد و هدایت. کما  
ورد أنها نزلت في علي (ع) و حمزة و جعفر و عبدة بن الحارث بن عبدالمطلب<sup>(۴)</sup>. و  
الأمالهم و له ما للتراب و ربّ الارباب. هو الولي و هم المولى. زیرا مقربان درگاه اله و  
عاشقان بی گواه که مشتاقان لقای «الأطال شوق الأبرار الى لقائى»<sup>(۵)</sup> و مستان  
خمخانه رحیق مختومند و به مرتبه «موتوا قبل ان تموتوا»<sup>(۶)</sup> به موت ارادی فایز و به

### روش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### رساله جامع علوم انسانی

۱- ۷ (اعراف) / ۲۹.

۲- ابن حنبل، المسند، چاپ احمد محمد شاکر، ج ۱، ص ۱۷۰، حدیث شماره ۱۶۸؛ مصباح  
الشریعة و مفتاح الحقیقة، ص ۱۸.

۳- متن کامل حدیث چنین است: «قال الصادق (ع): كتاب الله - تعالى - على أربعة أشياء: العبارة، والاشارة، واللطائف و الحقائق. فالعبارة للعوام، والاشارة للخواص، و اللطائف للاولياء و الحقائق للانبياء - عليهم السلام - (مصباح الشریعة، ص ۴۵۹).

۴- البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۰.

۵- غزالی، احیاء، ج ۴، ص ۳۲۴؛ فیض کاشانی، المتحججه البيضاء، ج ۸، ص ۵۸.

۶- المنهج القوی، ج ۴، ص ۳۱۳؛ به نقل از فروزانفر، احادیث مثنوی، ص ۱۱۶. باید افزود برخی  
از حدیث پڑوهان این جمله را که صوفیان نقل می کنند حدیث نمی شمارند. نک: فروزانفر،  
همان جا.

مضمون کریمه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَاهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»<sup>(۱)</sup> به حیات قلبیه ابدیه سرافراز آمده‌اند، در همین دار دنیا به نعمت جنان متنعم و به عین الیقین مشاهدند. و چون غرضی و رای جناب الهی - که سیدالاعراض - و مطلبی الالقای او - که سیدالمطالب است - ندارند، به حکم «يُحْشِرُ النَّاسَ عَلَى صُورِ أَعْمَالِهِمْ»<sup>(۲)</sup> از مسند قرب الهی به خطاب «أَنْتَ إِلَيْهِمْ لِأَشَدُّ شَوْقًا»<sup>(۳)</sup> سرافراز و به نعمت نعیم قرب وصال مکرم و اصحاب لطایفند. چنانچه حضرت صادق (ع) می‌فرماید که: «اللطائف للاولياء»<sup>(۴)</sup>.

همز موتوا از پمبر می شنو / زندگی خواهی پی این مرگ رو  
هر که مُرد از جان به جانان زنده شد / در حیات سرمدی پاینده شد  
و بالحرى أن تُمسك عن الكلام، فقد جاوَزنا المقام.  
توسن عرفان چو تُند است و خرون<sup>(۵)</sup>

همین عشقش را بکش ای ذوفنون

کتابه مؤلفه الفقیر محمد بن محمد باقر الملّقب

بنوَابِ اللّاهِجَانِیِّ فِی رِیْعِ الْاَوَّلِ سَنَةِ ۱۲۶۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱- ۶ (الانعام) / ۱۲۲.

۲- مقایسه کنید: مجلسی، بحار، ج ۷، ص ۱۹۲.

۳- روایت کرده‌اند که ابوالدرداء به کعب الاحبار گفت: مرا از خاص ترین آیه در تورات آگاه کن. کعب در پاسخ گفت: خداوند بلند مرتبه گوید: «طال شوق الابوار الی لقائی و انی الی لقائهم لأشدُّ شوقاً...». نک: غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۲۴؛ فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۸، ص ۵۸.

۴- مصباح الشریعة، ص ۴۵۹. شایان ذکر است که متن کامل این روایت پیش از این از نظر خوانندگان گرامی گذشت.

۵- یعنی: سرکش. نک: محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه مورد نظر.

## [ رساله دوم ]

## بسم الله الرحمن الرحيم

یا مشهوراً فی السموات و الارضین، و یا مشهوراً فی الدنيا و الآخرة، جهدت الجبارة و الملوک فی اطفاء نورک و اخماد ذکرک، فابی الله الا ان یتم نوره ولو کره المشرکون.

یا طبیب القلوب المریضة بداء الجهالة، و یا موقظ الراقدین من نوم الهلاکة و یا ذا<sup>(۱)</sup> الخطوب من سرایر القلوب بشهود المحبوب، یا غیاث من استغاث.

چون تو عریان گشته ای اندر عیان از تو گویم هادی اهل جهان تویی حجاب از نظر برانداخته، و یار بر سریر دل نشانده. هر چه گویی از دیده گویی؛ نه از شنیده. عاریت کس نپذیرفته ای. تویی صاحب قلب پسندیده. «من کان له قلب»<sup>(۲)</sup>. آنچه دلت گفت بگو، گفته آری.

هر که در خلوت به بینش یافت راه او ز دانشها نجوید دستگاه با جمال جان چو<sup>(۳)</sup> شد همکاسه ای باشدش ز اخبار [و] دانش تا سه ای<sup>(۴)</sup> هذه اشارات غریبة عرشية و بشارات عجلية کرسویة من اسرار الایة الشریفة فی اوصاف قلب آدمية، قد استفدناها من انهار مدینة قلبک الفاضلة و بحور علومک الزاخرة الباهرة بالشواهد الظاهرة علی طريقة الاستفادة من اخبار ائمة القدسیین و تأویل تنزیل المبین. کلها یلوح من قطرات زلال تحتية جریان الانهار من الجنات

۱- در دستنوشته مؤلف «ذی» آمده است که قیاساً اصلاح شد.

۲- ۵۰ (ق) / ۳۷.

۳- در خطی «چه» درج شده است که از روی مثنوی اصلاح شد.

۴- مولوی، مثنوی معنوی، چاپ نیکلسون، ۳/ ۳۸۵۶-۳۸۵۷؛ چاپ سروش،

۳/ ۳۸۵۵-۳۸۵۶. بیت دوم با توجه به این چاپها اصلاح شد. گفتنی است که «تاسیدن» به معنای

اندوهناک گشتن، اضطراب یافتن و پریشان حالی است. نک: محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل

ماده مورد نظر.

المذكورة في الآيات، منها قوله - جلَّ اسمُهُ - :  
 «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
 الْأَنْهَارُ» (۱).

ای: و بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا ايماناً قلبياً يقينياً خالصاً من شرك الجلي و الخفي  
 المشار اليهما بقوله - جلَّ اسمُهُ - «يا ايها الذين آمنوا آمنوا» (۲) و عملوا الصالحات  
 من تزيين القلب بالاخلاق الحسنة و تخليته من الاوصاف الرذيلة (۳) و تجليته  
 بالخصايص الحميدة بمتابعة الشريعة و معاملة الطريقة للارتفاع الى الدرجة الرفيعة  
 المشار اليها بقوله - جلَّ شأنه - «وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (۴). و ثمرة الاعمال الصالحة  
 في هذه النشأة الملكية هي مكارم الاخلاق التي ما بُعِثَ نبيُّنا الا لاتمامه كما  
 قال (ص): «ما بُعِثْتُ الا لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الاخْلَاقِ» (۵)، و في النشأة الملكية جنات  
 الخلود المشار اليه بقوله «انَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ»، أي: جنات الخلود التي هي المقام تحت  
 عرش الرحمانية كما ورد عن حوامل عرش الامامة (ع): ان ارواح المؤمنين في قناديل  
 من نور تحت العرش (۶). و ذلك في يوم الجزاء و القيامة الصغرى الموسوم ببرزخ  
 المشار اليهما بقوله (ص): «مَنْ مَاتَ قَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ» (۷). و بذلك اشار (ص) حيث  
 قال: «القبر روضة من روضات الجنان او حفرة من حفرات النيران» (۸). قيامتي

### تال جامع علوم انسانی

۲-۴ (نساء) / ۱۳۶.

۱-۲ (بقره) / ۲۵.

۳- در دستنوشته مؤلف «الرزيلة» آمده است که قیاساً تصحیح شد.

۴- ۳۵ (فاطر) / ۱۰.

۵- طبرسی، مجمع، الجزء العاشر، ص ۵۰۰ (ذیل کریمه انک لعلی خلقی عظیم)، مقایسه کنید:

مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۷؛ ج ۶۶، ص ۳۹۴ و ۴۰۵.

۶- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۰۱، مقایسه کنید: ابن شعبه الحرّانی، تحف العقول، ص

۳۸۲.

۷- مجلسی، بحار، ج ۵۸، ص ۷؛ ج ۷۰، ص ۶۷.

۸- پیشین، ج ۶، ص ۲۱۴ (حدیث شماره ۲)، ص ۲۱۸ (حدیث شماره ۱۳)، ص ۲۶۷

(حدیث شماره ۱۱۵).

الصغریٰ بخلعی و انما قیامتى الكبرى بتتميم دورتى. و هذه الجنة سقفتها العرش و ارضها الكرسي و تجرى من تحتها الانهار، كما قال سيد الانبياء (ص): «ارض الجنة الكرسي و سقفتها عرش الرحمن و منها تفجرت الانهار»<sup>(۱)</sup>. فالقوائم الاربعه التى للعرش و حاملها الاملاك الاربعه و هى جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و عزرائيل - عليهم السلام. قائمه على الكرسي و هو ارض الجنة التى مقام المؤمنين و تجرى من تحتها الانهار. فمن الركن الجبرئيل الذى هو مفيض العلوم الربانية الى الهياكل البشرية تجرى انهار المعارف و العلوم الالهية الى قلوب الصافية فى الدار الفانية. و اطلاق الماء على العلم متكرر الورود فى آثارهم (ع). كما قالوا: «وكان عرشه على الماء»<sup>(۲)</sup> اى على العلم<sup>(۳)</sup> فانهار العلوم الحقة المفضية من ارض الجنة الى قلوب المؤمنين فى دار الدنيا هو من ثمرة اعمالهم الصالحات التى يصير قلوبهم بها عرش الله الاعظم و محل استوائه، مُشيراً بذلك قال (ص): «قلب المؤمن عرش الله الاعظم»<sup>(۴)</sup>. و لهذه الافاضة يبقى الدهر الى الحشر. فبالحقيقة من رشحات انهار قلوب المؤمنين يفيض المعارف الربانية و العلوم الحقائقة على قلوب ساير البشر بالتربية الملكية لظهور سر الرحمانية الجبرئيلية. و لهذه الافاضة يصير القلوب محلاً لاستواء الرحمن على العرش و نزول انوار القدس على العرش، كما ترجم فى القديسات الواردة فى التوراة الاعظم بلسان ترجمان الاعلم (ص) حيث قال: «لايسعنى ارضى و لاسمائي و لكن يسعنى قلب عبدى المؤمن»<sup>(۵)</sup>. و اشارة بهذه

۱- بخشى از اين حديث ضمن بيانات مرحوم علامه مجلسى مورد استناد واقع شده است. ولى متن كامل آن به دست نيامد. نک: بحار الانوار، ج ۸، ص ۸۴ و ص ۲۰۶.

۲- قرآن کریم، ۱۱ (هود) / ۷.

۳- مقایسه کنید: مجلسى، بحار، ج ۳، ص ۳۱۷، ۳۳۴؛ ج ۲۶، ص ۲۲۷؛ ج ۴۰، ص ۵۹؛ ج ۵۴، ص ۱۰، ۷۰، ۸۵، ۸۷، ۸۲، ۹۲، ۹۵، ۹۸، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸.

۴- مجلسى، بحار، ج ۵۵، ص ۳۹.

۵- مجلسى، همان جا؛ تحاف السادة المتقين، ج ۷، ص ۲۳۴؛ غزالی، احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۲؛ به نقل از: فروزانفر، احادیث مشنوی، ص ۲۶.

الرشحة قال سيّد الموحّدين عند الظهور بالولاية و التربية لكميل بن زياد: «ولكن يَطْفَحُ عليك ما يَرُشِحُ مني»<sup>(۱)</sup>. و هذا مقام الولاية و ارشاد الخلاق و التربية التي تحتاج<sup>(۲)</sup> الى نزول جبرئيل<sup>(۳)</sup> بالوحي والالهام كما اخبر الله - تعالى - بقوله: «ما ينطق عن الهوى، ان هو الا وحى يوحى، علمه شديد القوى»<sup>(۴)</sup>. و هذا مقام المشاركة للناس المشار اليه بقوله - جل ذكره - : «وما انا الا بشر مثلكم يوحى الي»<sup>(۵)</sup>.

بيّهشی خاصگان اندر آنخص نیست حیرت زین روایات و قصص<sup>(۶)</sup> و فی هذه الحالة يجاهد الانبياء بالتنزيل والوحي و الحقايق والاولياء بالتأويل والالهام واللطائف والكشف والعيان واولوالامرّة على طوايف الانسان. كما قال

۱- این جمله بخشی از حدیثی است که به «حدیث الحقیقه» معروف است. این حدیث با آن که ظاهراً به سند معتبر و غیر معتبر در کتب مقداول حدیث نقل نشده است، ولی حکیمان و عارفان همواره آن را در کتابها و رسائل خود نقل کرده و به امیر مومنان و مولای متقیان نسبت داده‌اند و گروهی نیز به شرح و گزارش آن پرداخته‌اند. بلندترین و جامع‌ترین شرح آن، کتاب *انوار جلیه* در کشف اسرار حقایق علویه تألیف ملا عبدالله مدرس زنوزی است. برای آگاهی از متن کامل حدیث یادشده نک: مدرس زنوزی، *انوار جلیه*، به تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، ص ۳۳۸-۳۳۹.

۲- در دستنوشته مؤلف «یحتاج» آمده است که قیاساً تصحیح شد.

۳- در دستنوشته مؤلف «الجبرئیل» آمده است که قیاساً اصلاح شد.

۴- ۵۳ (نجم) / ۳-۵.

۵- گفتنی است که در قرآن کریم چنین جمله‌ای وجود ندارد. ولی تعبیراتی شبیه به این جمله که حاکی از همین معناست در قرآن چند بار تکرار شده است. از جمله فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...» ۱۸ (کهف) / ۱۱۰؛ ۴۱ (فصلت) / ۶.

۶- در چاپهای نیکلسون و عبدالکریم سروش از مثنوی چنین آمده است:

حیرت اندر حیرت آمد این قصص بیّهشی خاصگان اندر آنخص

نک: چاپ نیکلسون، ۳۸۰۵/۴؛ چاپ سروش، ۳۸۰۴/۴.

سَيِّدُ الْمُؤَحِّدِينَ (ع): «أَنَا أَقَاتِلُ بِالتَّوْبِيلِ»<sup>(۱)</sup>. و في هذه المرتبة يشاركهم بعضُ المؤمنين من الخواص مثل جعفر و غيره، كما هو المروى.

و من ثمرة هذه المعلومات والمعارف المكتسبة من الصالحات في دار الدنيا أعطوا جنَّة الخُلُود التي يكون عينهم فيها عياناً و علمهم فيها شهوداً. و اذا صار العلم عياناً يلزم فوقية العالم و تحيُّته المعلوم. و لهذا تجرى الانهيار من تحت جنات التي مقام المؤمنين. فبالحقيقة الدنيا و الآخرة قائمتان بوجود الانسان الكامل المؤمن، كما قال: «لَوْلَا كَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكَ»<sup>(۲)</sup>.

با محمد بود عشق پاک جفت بهر عشق او را خدا لَوْلَا كَ گفتم<sup>(۳)</sup>  
و قال سَيِّدُ الْمُؤَمِّنِينَ و اميرهم (ع): «أَنَا الْقَائِمُ عَلَى التَّنَجِيحِ»<sup>(۴)</sup>. و امَّا

۱- مقایسه کنید: ابن حنبل، المسند، چاپ میمینه، ۱۳۱۳ هـ، ج ۳، ص ۳۱، ۳۳ و ۸۲؛ مجلسی، بحار، ج ۲۲، ص ۳۱۶، ۴۶۶؛ ج ۳۲، ص ۲۹۹، ۳۰۳؛ ج ۴۰، ص ۱، ۹۴؛ ج ۴۶، ص ۳۰۹؛ ج ۸۹، ص ۹۶.

۲- این حدیث با این تعبیر در مجموعه های حدیثی نقل نشده است. بلکه در کتابهای حدیث آمده است:

«لَوْلَا كَ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ لَوْلَا كَ مَا خَلَقْتُ النَّارَ» و ابن عساکر آورده است: «لَوْلَا كَ مَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا». نک: فروزانفر، احادیث مثنوی، ص ۱۷۲.

۳- مولوی، مثنوی معنوی، ۲۷۳۷/۵.

۴- این جمله در خطبه ای مسطور است که رجب بررسی آن را «خطبه تطنجیه» می نامد و به امیرالمؤمنین (ع) نسبت می دهد و ادعا می کند امام آن خطبه را میان کوفه و مدینه ایراد کرده است. بخشی از آن خطبه چنین است:

«.. فَأَنَا الْأَمَلُ وَ الْمَأْمُولُ. أَنَا الْوَاقِفُ عَلَى التَّنَجِيحِ. أَنَا النَّاطِرُ إِلَى الْمَغْرِبِيِّنَ وَ الْمَشْرِقِيِّنَ. رَأَيْتُ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ الْفَرْدُوسَ رَأَى الْعَيْنَ... وَ التَّنَجِيحُ خَلِيْجَانُ مِنْ مَاءٍ». نک: الحافظ رجب البرسی، مشارق انوار اليقين في اسرار امير المؤمنين، ص ۱۶۶-۱۶۷.

گفتنی است که مرحوم هاشم معروف الحسنى این خطبه را در ردیف اخبار و آثار ساختگی قلمداد کرده است. نک: هاشم معروف الحسنى، اخبار و آثار ساختگی، ص ۳۶۶.

فی الولاية المطلقة و الطامة الكبرى التي هي مقام الجمع المشار اليه بقوله (ص) «لى مع الله وقت لا يسعنى فيه ملك مقرب ولا نبي مرسل»<sup>(۱)</sup> و قول الصادق (ع) «لنامع الله حالات هو فيها نحن و نحن فيها هو»<sup>(۲)</sup>، فثمره اعمالهم الصالحات جنه الوصال و الرضوان الموعود التي مقامه فوق العرش. كما ورد في القدسيات حيث قال: «و انى لأحمل قلوبهم فاضعها على سمائي ثم ادعوا نجباء ملائكتي. فاذا اجتمعوا سجدوا لى. فاقول: انى لم اجمعكم لتسجدوا لى و لكن دعوتكم لأعرض عليكم قلوب المشتاقين الى و أباهى بكم»<sup>(۳)</sup>. و هذا هو المقام الذى قال جبرئيل (ع): «لو ذنوب بقدر انملة لأحترقت»<sup>(۴)</sup>.

احمد ار بگشايد آن پر جليل تا ابد مدهوش ماند جبرئيل<sup>(۵)</sup>

در اين مقام محمود است که سلاطين طريقت<sup>(۶)</sup> که مالک ممالک حقيقتند، کمال سالک را عبور از محسوس و معقول و بروز به انوار تجليات وصول دانسته اند، که پرتو انوار احديت چنان در انسان کامل که مظهر جميع تطورات و شؤونات اسرار است، جلوه ظهور فرموده و خواص اسم يا معبود در شبکات وجود او تربيع يابد، که جز خواص عبوديت از وفق وجودش عددی حاصل نيابد، که «العبودية جوهرة کنهها الربوبية و الحقايق للانبياء»<sup>(۷)</sup> اشاره به اين مرتبه است و با همه قریبی که او را حاصل است، به حکم «فأستقيم كما أمرت»<sup>(۸)</sup> قیام به شریعت و کمال عبوديت

رساله علم انسانى

- ۱- درباره این حدیث نک: فروزانفر، احادیث مشنوی، ص ۳۹.
- ۲- تا حد میسور برای یافتن جای این حدیث تلاش شد، ولی مأخذ آن به دست نیامد.
- ۳- این حدیث قدسی با اندکی اختلاف در پاره‌ای از تعبیرات در کتابهای زیر آمده است: غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۲۵؛ فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۸، ص ۵۹.
- ۴- مجلسی، بحار، ج ۱۸، ص ۳۸۲.
- ۵- مولوی، مشنوی معنوی، ۳۸۰۰/۴. گفتنی است که در چاپهای نیکلسون و عبدالکریم سرور آمده است: «تا ابد بیهوش ماند جبرئیل».
- ۶- در دستنوشته «طریقه» درج شده است که قیاساً تصحیح شد.
- ۷- مصباح الشریعة، ص ۴۵۱.
- ۸- ۱۱ (هود) / ۱۱۲.



افعال اوست. با همه قریبی که دارد با خدا از ریاضت نیست یکدم او جدا  
 گر نباشد در عمل ثابت قدم چون رهاند خلق را از دست غم  
 حال پیغمبر نگر با این کمال فاستقیم بودش خطاب از ذوالجلال  
 امید از درگاه بی نیاز حقیقه الحقایق حضرت معبود طول ظلال وجود سلطان  
 سلاطین شریعت و مالک ممالک طریقت هادی الخلق الی الحق و حجة الحق  
 علی الخلق حضرت حاجی - دام ظلالة العالی - است بر مفارق انام، لاسیما این  
 گمنام. والسلام.  
 رهنمایی لایق این کامل است کز خودی فانی به جانان واصل است

### منابع و مأخذ

- احمدالمنزوی، ۲۳ ج، الطهران - النجف، ۱۳۸۷-۱۳۹۵ هـ ق. / ۱۹۶۸-۱۹۷۵ م.  
 طبقات اعلام الشيعة (الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة)، النجف،  
 ۱۳۷۴ هـ ق. / ۱۹۵۴ م.  
 ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد الشیبانی: المسند، تحقیق احمد محمد شاکر، ۱۵  
 ج، دارالمعارف، مصر، ۱۹۴۹ - ۱۹۵۸ م؛ نیز چاپ مطبعة المیمنیة، ۶ ج، ۱۳۱۳ هـ ق. / ۱۷۷۱  
 ابن عربی، محیی الدین: فصوص الحکم، تصحیح ابو العلاء عقیفی، بیروت، ۱۳۶۵ هـ ق.  
 ابن یوسف شیرازی: فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، مجلس، تهران  
 ۱۳۱۸-۱۳۲۱ هـ ش.  
 - فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، طهران ۱۳۱۳-۱۳۱۵ هـ ق.  
 ادبیات فارسی بر مبنای تالیف استوری ترجمه یو.ا. برگل، مترجمان یحیی آرین پور،  
 سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تحریر احمد منزوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،  
 تهران ۱۳۶۲ هـ ش.  
 انوار، سید عبدالله: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، جلد اول (چاپ دوم، تهران ۱۳۶۵  
 هـ ش.)، جلد دوم (تهران ۱۳۴۷ هـ ش.).

- البحرانی، السید هاشم: البرهان فی تفسیر القرآن، به کوشش محمود بن جعفر الموسوی، الطبعة الثانية، تهران، چاپخانه آفتاب، ۱۳۳۴ هـ. ش.
- البرسی، الحافظ رجب: مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین، الطبعة العاشرة، دارالاندلس، بیروت.
- الحسنی، هاشم معروف: اخبار و آثار ساختگی، ترجمه حسین صابری، چاپ اول، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ هـ. ش.
- دواتی، علی: مفاخر اسلام (جلد هفتم - دانشمندان لاهیجان)، چاپ دوم، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۵ هـ. ش.
- زرّین کوب، عبدالحسین: نقد ادبی، تهران ۱۳۵۴ هـ. ش.
- سروش، عبدالکریم (زیر نظر): یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ هـ. ش.
- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق هاشم الرسولی المحلاتی و فضل الله الیزدی الطباطبائی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق. / ۱۹۸۸ م.
- الغزالی، الامام ابو حامد محمد بن محمد: احیاء علوم الدین، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- فروزانفر، بدیع الزمان: احادیث مشنوی، چاپ پنجم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰ هـ. ش.
- الفیض الکاشانی، محمد بن مرتضی الموعود بالمولی محسن: المسحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، صحه علی اکبر الغفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
- قمی، شیخ عباس: فوائد الرضویه تهران، ۱۳۲۷ هـ. ش.
- المجلسی، محمدباقر بن محمدتقی الاصفهانی: بحار الانوار، ۱۱۰ ج، الطبعة الثالثة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق. / ۱۹۸۳ م.
- مدرّس تبریزی، محمد علی: ریحانة الادب، چاپ دوم، چاپخانه شفق، تبریز، بی تا.
- مدرّس زنوزی، ملا عبدالله: انوار جلیته، به تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ هـ. ش.

- مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، منسوب به امام ششم حضرت جعفرین محمدالصادق، ترجمه و شرح حسن مصطفوی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران ۱۳۶۰ هـ. ش.
- معین، محمد: فرهنگ فارسی، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴ هـ. ش.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی: مثنوی معنوی، به همت رینولد آلین نیکلسون، چاپ سوم، انتشارات مولی، تهران ۱۳۶۳ هـ. ش.
- مثنوی معنوی (بر اساس نسخه قونیه)، به تصحیح عبدالکریم سروش، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ هـ. ش.
- ناصر خسرو: دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ هـ. ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی